

عبور از مبارزه فرساینده تا لذت بندگی: رمزگشایی از مدل حرکت با عشق

میان بر بندگی؛ چگونه با مدل حرکت با عشق ره صدساله را یک شبه طی کنیم؟

در مشاهده رفتارهای انسانی، همواره میان «تکلیف تحمیلی» و «کشش درونی»، شکافی عمیق وجود دارد. برای درک بهتر این تمایز، می‌توان به وضعیت یک هوادار فوتبال نگرست که مشتاقانه تمام ساعات خود را به تحلیل بازی‌ها، مطالعه‌ی تاریخچه‌ی تیم محبوب و پیگیری جزئیات تمرینات اختصاص می‌دهد. در این ساحت، هیچ نیروی بیرونی او را مجبور به مطالعه نمی‌کند؛ بلکه «عشق» به موضوع، تمامی مجاری ادراکی و رفتاری او را مدیریت می‌کند. در این وضعیت، نفس فرد چنان درگیر متعلق محبوب است که نه تنها وسوسه‌های پیرامونی کارکرد خود را از دست می‌دهند، بلکه مانعی برای پیگیری مسیر رسیدن به آن هدف نیز باقی نمی‌ماند. پرسش بنیادین این است که چگونه می‌توان از تقابل فرساینده با نفس، به سمت چهارچوب‌های معرفتی مدل حرکت با عشق حرکت کرد تا انسان بتواند در کوتاه‌ترین زمان، مسیر کمال را طی نماید.

چالش‌های تقابل با نفس در سلوک انسانی

عدم شناخت درست خود حقیقی و اشتباه گرفتن «ناخود» به جای «خود حقیقی» سبب میشود که دین در نظر ما به مجموعه‌ای از مبارزه دائم و سرکشی تبدیل شود. در این صورت عبودیتی اتفاق نیفتاده و عبادت نیز همواره با اصطکاک همراه است؛ چرا که انگیزه اصلی حرکت، یا ترس از عقاب جهنم است و یا طمع رسیدن به پاداش بهشت؛ اگرچه این رویکرد در سطوح ابتدایی دین‌داری، نقشی بازدارنده دارد، اما از نظر انسان‌شناسانه، انرژی وجودی انسان را صرف مدیریت بحران و خنثی‌سازی وسوسه‌ها می‌کند، نه تعالی ماهوی.

در نقد این رویکرد، باید توجه داشت که «توبیخ نفس»، صرفاً یک راهبرد مدیریتی برای دوران غفلت است. وقتی انسان درگیر «درگیری با نفس» است، تمام ظرفیت ذهنی‌اش به جای آنکه صرف «محبوب» شود، صرف «مبارزه» می‌شود. این انرژی متراکم، به جای آنکه موتور محرک رشد باشد، به سدّی در برابر سرعت سلوک بدل می‌گردد. در مقابل، مدل حرکت با عشق زمانی آغاز میشود که فرد به درستی «ماهیت حقیقی وجود خود» را شناخته و باور کرده است. در این صورت عبودیت از ساحت «تکلیف تقابلی» به ساحت «محبوبیت ایجابی» منتقل می‌شود. اگر ظرفیت بینهایت طلبی وجود ما با «عشق به خداوند» پر شود، دیگر مجالی برای نفوذ وسوسه‌های غیر نخواهد ماند.

برای وارد کردن مدل حرکت با عشق به زندگی شخصی، اول از همه باید نگاه‌مان را به اعمال و تکالیف دینی تغییر دهیم. در نگاه‌های سنتی که فقط بر کنترل نفس متمرکزند، این کارها اغلب شبیه یک «وظیفه سنگین» و اجباری دیده می‌شوند؛ اما در نگاه عاشقانه، هر عمل صالح یک «وسيله» است، نه یک مانع.

بیاييد منطقی به این موضوع نگاه کنیم: اگر کسی عاشق رسیدن به محبوبش باشد و واسطه‌ای سر راهش قرار بگیرد که او را به مقصد برساند، آیا با آن واسطه مخالفت می‌کند؟ قطعاً نه، بلکه با اشتیاق از آن استقبال می‌کند. در مدل حرکت با عشق نیز تکالیف شرعی برای انسان عاشق، قید و بند یا محدودیت نیستند؛ بلکه دقیقاً همان واسطه‌هایی هستند که او را به محبوب واقعی‌اش، یعنی خداوند، نزدیک‌تر می‌کنند.

جایگاه اتباع در نظام معرفتی

در متون وحیانی، پیوند میان «عشق» و «اتباع» یک اصل بنیادین است. خداوند در سوره آل عمران، آیه ۳۱ می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد...». در این آیه، پیروی از رسول، نه به عنوان یک دستور تحمیلی، بلکه به عنوان «ثمره‌ی منطقی عشق» مطرح شده است. در مدل حرکت با عشق، پیروی کردن، یک فعل ارادی

سخت گیرانه نیست، بلکه یک «ضرورت عاطفی» است. کسی که مدعی عشق به خداوند است، نمی تواند از دستورات او که همان مسیر وصال است، سرپیچی کند.

در این مدل حرکت با عشق، پیروی از شریعت و سیره، در واقع «تخلیه‌ی مسیر پرواز» است. وقتی انسان درگیر عشق می شود، «نفس» دیگر تمایلی به وسوسه های پراکنده ندارد. درست مانند کسی که در اوج اشتیاق حرفه‌ای، تمام وقت خود را وقف کار می کند و وسوسه های دیگر، مانند استراحت بی موقع یا سرگرمی های غیرضروری، نزد او بی معنا می شوند. این تمرکز عاشقانه، همان چیزی است که می تواند «ره صد ساله» را یک شبه طی کند؛ زیرا «اصطکاک درونی» به حداقل رسیده است. کاربرست عملیاتی مدل حرکت با عشق، بر همین اصل تمرکز حداکثری بر محبوب استوار است، به گونه ای که هر عمل صالح، تجلی یک پله در این نردبان صعود است.

شواهد تاریخی و تجربی

تحلیل تاریخی مدل حرکت با عشق را می توان در ترازوی وقایع کلیدی تاریخ تشیع و حتی تجربه های زیسته ی معاصر مشاهده کرد. حادثه ی عاشورا، نمایان ترین صحنه ی تحقق این معناست. اصحاب امام حسین علیه السلام در آن شرایط بحرانی، در حال «مبارزه با نفس» نبودند؛ آن ها در حال «دفاع از محبوب» بودند. آنچه در ظهر عاشورا مانع از تزلزل آنان می شد، «ترس از جهنم» یا «طمع بهشت» نبود، بلکه «شیرینی وصال محبوب» بود. نفس آنان چنان درگیر امام بود که حتی جراحات های فیزیکی نیز مانع استمرار آنان در مسیر نمی شد.

این الگو در عرصه ی جهاد دفاع مقدس نیز به وضوح تمام بروز یافت. رزمندگانی که با وجود مجروحیت های شدید، همچنان مشتاقانه در میادین حاضر می شدند، مصداق تام کسانی بودند که نفس خود را در عشق به الله و جهاد، مستهلک کرده بودند؛ اگر فرض را بر رویکرد «توبیخ نفس» بگیریم، این رفتارها غیرمنطقی است؛ چرا که محافظت از جان، اولین غریزه ی نفس است. اما در مدل حرکت با عشق، این رفتار کاملاً

منطقی است؛ زیرا جان انسان، در برابر جانان، ارزش خود را از دست داده است. در نگاه اهل معرفت، قلب مومن حرم خداست و آنگاه که این حرم با عشق به خداوند پر شد، دیگر جایی برای اغیار باقی نمی ماند.

ساختار نظام عبادی

برای پیاده سازی این نگاه در ساحت سبک زندگی، باید نظام عبادی فرد بازسازی شود. در رویکرد مرسوم، عبادت «وظیفه» است، اما در نظام جدید، عبادت «ملاقات» است. این تفاوت رویکرد، تغییرات ساختاری مهمی در زندگی مومن ایجاد می کند:

۱. **عبادات فرایضی:** نماز و روزه در این مدل، نه تنها رفع تکلیف نیستند، بلکه فرصت های خلوت با محبوب هستند. انسانی که با رویکرد عشق به نماز می ایستد، در «کیفیت حضور» با کسی که از سر ترس از عقاب نماز می خواند، کاملاً متفاوت است.

۲. **اعمال مستحبی:** در نگاه توبیخی، مستحبات بار اضافه هستند. اما در مدل حرکت با عشق، مستحبات «ابزارهای تقرب» هستند. همان طور که یک عاشق از هر بهانه ای برای دیدار معشوق استفاده می کند، مومن نیز از نوافل برای استمرار حضور در محضر محبوب بهره می برد.

۳. **پرهیز از گناه:** در این مدل، گناه نکردن ناشی از ترس نیست، بلکه ناشی از «عدم تناسب» است. عاشق، گناه نمی کند؛ نه چون می ترسد، بلکه چون گناه با ساحت محبوب او سنخیت ندارد. این تفاوت «انگیزشی»، ثبات قدم را تضمین می کند.

پیامدهای وجودی مدل حرکت با عشق، فراتر از تغییر رفتارهای ظاهری است. این مدل، «ماهیت وجودی» انسان را ارتقا می دهد. انسان عاشق، در حین عمل صالح، به «لذتی» دست می یابد که هیچ یک از وسوسه های دنیوی یارای رقابت با آن را ندارند. این لذت، همان «موتور پیشران» است که سلوک را از یک «حرکت تکلیفی فرساینده» به یک «سیر عاشقانه لذت بخش» تبدیل می کند.

این مدل حرکت با عشق، با تکیه بر سنت الهی و سیره‌ی اهل بیت، راهکاری جامع ارائه می‌دهد که در آن، نفس انسان به جای آنکه مانع راه باشد، مرکب پرواز می‌شود. این است حقیقت دین‌داری که در آن، انسان نه با زور تازیانه‌ی توبیخ، بلکه با قدرت جاذبه‌ی عشق، «ره صد ساله را یک شبه» می‌پیماید.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer